

سارق سابقه‌دار روزاول آزادی دست به سرقت زد



سارق سابقه دار در نخستین روز آزادی از زندان همراه یکی از دوستانش سرقت‌های سریالی خود را آغاز کرد، اما چهار روز بعد در دام مأموران گرفتار شد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۳بامداد روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه مأموران کلانتری ۱۱۴ غیائی هنگام گشت‌زنی در خیابان ۱۷ شهریور به یک دستگاه خودروی پرشیا سفید رنگ که دو سرنشین داشت مشکوک شدند. مأموران در ادامه شماره پلاک خودرو را از مرکز استعلام گرفتند که مشخص شد خودروی پرشیا چند روز گذشته در منطقه فشم به سرقت رفته است. بلافاصله مأموران به راننده خودرو دستور ایست دادند، اما راننده با دیدن مأموران اقدام به فرار کرد. بدین ترتیب تعقیب و گریز مأموران با سارقان خودرو رقم خورد. مأموران در ادامه برای دستگیری متهمان در خیابان سر چشمه پس از هشدارهای مکرر شش تیر هوایی به سمت خودرو شلیک کردند، اما راننده خودرو نه تنها به هشدارهای پلیس توجهی نکرد بلکه به سرعت خودرو نیز افزود و پس از برخورد با یک دستگاه خودروی تیبیا به سمت خیابان مولوی به فرار خود ادامه داد تا اینکه در نهایت مأموران در خیابان بعثت به سمت امام علی(ع) پس از شلیک دوتیر به چرخ‌ها، خودرو را متوقف کردند.

پس از این حادثه راننده و سرنشینان از خودرو پیاده شدن و با پای پیاده اقدام به فرار کردند که مأموران پس از چند کیلومتر



تعقیب و گریز سرنشین خودرو را دستگیر کردند. مأموران در بازرسی از خودرو تعداد چهار کامپیوتر خودروهای ۲۰۶، ۵، ۴۰، سه دستگاه گوشی، یک قبضه سلاح سرد، پنج عدد سوییچ و دو چراغ اسپرت پژو کشف کردند. پس از انتقال سرنشین به نام امیر ۲۷ساله به کلانتری و تحقیق از وی مشخص شد متهم از سارقان محله دار است که سال گذشته به جرم سرقت به عنف بازداشت و روانه زندان شد تا اینکه چهارروز پیش از زندان آزاد می‌شود.

متهم در بازجویی به سرقت اعتراف کرد و گفت: پس از آزادی از زندان دوباره تصمیم گرفتم دست به سرقت بزنم، بنابراین همراه یکی از دوستانم در ساعات بامدانی کامپیوتر و چراغ‌های اسپرت خودروها را سرقت می‌کردیم. مأموران در بررسی‌های بعدی در یافتند متهم در همان روز اول آزادی از زندان در پارک گمنام محله غیائی با پوشیدن گاز اشک‌آور اقدام به زورگیری گوشی تلفن همراه شهروندی کرده و بعد از آن همراه دوستش سرقت‌های سریالی خود را ادامه داده‌است.

سرهنگ سعید لشیینی، رئیس کلانتری ۱۱۴ غیائی درباره این خبر گفت: پرونده متهم جهت رسیدگی قضایی به دادسرا ارسال شد و تحقیقات و اقدامات لازم جهت دستگیری راننده خودرو ادامه دار.

خواهران قاتل بازداشت شدند



خواهران شوهرکش که در استان سیستان و بلوچستان شوهران خود را به قتل رسانده بودند، دستگیر شدند. روز ۳۱اردیبهشت‌ماه امسال مأموران پلیس سیستان و بلوچستان از مرگ مشکوک دو مرد ۳۷ و ۴۵ساله در منزل مسکونی با خیر و راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد دو مرد فوت شده باجناب هستند که به طرز مرموزی فوت کرده‌اند.

سرهنگ ابراهیم ملاحاهی، رئیس پلیس آگاهی استان سیستان وبلوچستان به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: مأموران در تحقیقات فنی به همسران دو مرد فوت شده مشکوک شدند و آنها را مورد بازجویی فنی قرار دادند که مشخص شد دو خواهر به دلیل اختلاف خانوادگی با مسموم کردن همسران خود، آنها را به قتل رسانده‌اند. متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی جهت سیر مراحل قانونی تحویل مقام قضائی شدند.

بازبینی دوربین برای شناسایی قاتل وحیدمرادی



بازپرس پرونده قتل وحید مرادی که چند روز قبل در زندان رجایی‌شهر به قتل رسید دستور بازبینی دوربین‌های مداربسته زندان را برای شناسایی عامل اصلی قتل صادر کرد و همچنین دستور داد چاقوهای کشف شده در این نزاع برای نمونه‌برداری در اختیار کارآگاهان تشخیصی هویت و پزشکی قانونی قرار بگیرد. سه متهم در این حادثه به عنوان عاملان قتل بازداشت شده‌اند. به گزارش خبرنگار ما، وحید مرادی شرور معروف تهران اواخر

نوازنده قاتل

پس از ۱۱سال

به دام افتاد



حوادث

سرویس حوادث، ۴۸۴۹۸۴۵۰

اردیبهشت‌ماه یک روز پس از آزادی از بازداشتگاه پلیس در پنت‌هاوس ولنجک یکی از دوستانش را به نام حسین که برای جشن آزادی او مهمانی گرفته بود به قتل رساند. متهم پس از حادثه برای فرار به مرزهای غربی فرار کرد، اما چند روز بعد در نقطه صفر مرزی دستگیر شد. وحید در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی گفت: هنگام مهمانی حسین در حال گرفتن لایو اینستاگرام بود که به او اعتراض کردم چون به مأموران پلیس تعهد داده بودم در فضای مجازی فعالیت نکنم که حسین به من فحاشی کرد و او را با چاقو زدم.

متهم در ادامه تحقیقات به دستور قاضی مرادی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران روانه زندان رجایی‌شهر شد. وحید ابتدا در سلول انفرادی نگهداری می‌شد، اما مدتی بعد به بند متهمان به قتل منتقل شد تا اینکه ساعت ۱۴ بعدازظهر روز دوشنبه ۱۱ تیرماه خیر رسید که وحید در سلولش با اصابت ضربات چاقو به قتل رسید. بررسی دوربین نشان داد وحید ابتدا در محوطه زندان با دو متهم به نام‌های سعید و عباس درگیر شده که این درگیری در داخل سالن ادامه پیدا می‌کند و به نزاع دستجمعی بین طرفداران وحید و سعید در حالی که تعدادی از آنها مسلح به تیزی‌های دست‌ساز، آب جوش و روغن داغ بودند منجر می‌شود. همچنین مشخص شد در این درگیری سعید و عباس همراه افرادی دیگر با تیزی به وحید مرادی که دست خالی بوده حمله می‌کنند و وی را به قتل می‌رسانند. سعید و عباس ظهر روز سه‌شنبه برای بازجویی به دادسرا منتقل شدند و متهم دیگر هم از زندان راهی اداره آگاهی شد. در حالی که شواهد

مرد افغانی که مدعی است نوازنده مشهوری است ۱۱سال قبل همسر ایرانی‌اش را به قتل رساند و به افغانستان فرار کرد، اما پس از ازدواج مجدد به ایران بازگشت و به دام افتاد.

به گزارش خبرنگار مسا، ۲۴اسفندسال۸۶بود که مأموران پلیس، جسدزن جوانی را در میان مشاهداهای بهشت‌زهرادر جنوب تهران کشف کردند. نخستین بررسی‌ها حکایت از این داشت زن ناشناس مورد اصابت دو ضربه چاقو قرار گرفته که یکی از آنها پالتو او را پاره کرده و دیگری به قلبش اصابت کرده و او را به قتل رسانده‌است. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، جسدزن جوان برای شناسایی به پزشکی قانونی منتقل شد. مأموران در تحقیقات فنی دریافتند مقتول فهیمه نام دارد واهل شهرستان آمل در شمال ایران است. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داد فهیمه مدتی قبل با مرد افغانی به نام نادر ازدواج کرده و روز حادثه هم برای انجام کاری از آمل به تهران آمده که در جریان حادثه‌ای به قتل می‌رسد. در ادامه مأموران برای بررسی موضوع به آمل رفتند که متوجه شدند نادر پس از

حادثه به افغانستان گریخته است. بنابراین نادر از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به عنوان مظنون به قتل همسرش تحت تعقیب قرار گرفت. پس از این مأموران تحقیقات گسترده‌ای برای دستگیری قاتل فراری انجام دادند، اما هیچ ردی از وی نیافتند تا اینکه چند روز قبل پس از گذشت حدود ۱۱سال از حادثه در یافتند مأموران مبارزه بامواد مخدر شهرستان پاکدشت نادر را به جرم خرید و فروش مواد مخدر شن دستگیر کرده‌اندو متهم در بازجویی‌ها به قتل همسرش در ۱۱سال قبل اعتراف کرده‌است.

صبح دیروز متهم برای تحقیق به شعبه ششم بازپرسی دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. قاتل در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی مدیر روستا در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

نادر ۳۴ساله که ۱۱سال قبل همسر ایرانی‌اش را به قتل رساند و به افغانستان فرار کرد در گفت‌وگو با خبرنگار ما ادا کرد که موسیقیدان حرفه‌ای و معروفی است و پس از قتل همسرش عذاب وجدان گرفته و در این ۱۱سال روح همسرش هر شب به خوابش می‌آمده و او را از می‌داده‌است به طوری‌که به مواد مخدر پناه برده و معتاد شده‌است.

چطور با فهیمه آشنا شدی؟

آن زمان من در شهرستان آمل زندگی می‌کردم و فهیمه هم در طبقه بالای ساختمان به صورت تنها زندگی می‌کرد. فهیمه پدر و مادرش را از دست داده بود و از شوهر قبلی‌اش هم طلاق گرفته بود که با هم آشنا شدیم و بعد تصمیم گرفتیم باهم ازدواج کنیم.

چه شد که تصمیم گرفت با شما ازدواج کند؟
من آدم معروفی بودم و از دوران کودکی موسیقی کار می‌کردم و در سن ۱۶سالگی به صورت حرفه‌ای استاد ساز قانون بودم. آن زمان در آموزشگاهی موسیقی تدریس می‌کردم و شاگردان زیادی داشتم. به طوری‌که در چند جشنواره مقام آوردم و در فرهنگسراها موسیقی اجرا می‌کردم و آموزشگاه داشتم. من حتی به صورت سنتی هم خوانندگی می‌کردم و در کل هنرمند بودم و فهیمه هم در جریان کارهای من بود و از من خوشش آمد و

بازبینی دوربین برای شناسایی قاتل وحیدمرادی



نشان می‌دهد ضربات مرگبار را سعید وارد کرده است دو متهم در دادسرا قتل وحید را انکار کردند. به همین دلیل قاضی مرادی، بازپرس پرونده دستور داد فیلم دوربین‌های مداربسته محل حادثه از سازمان زندان‌های استان تهران برای بازبینی و شناسایی عامل اصلی قتل گرفته شود. وی دستور داد چاقوهای دست‌ساز کشف شده در زندان را برای نمونه‌برداری خون و اثر انگشت در اختیار کارآگاهان تشخیصی هویت قرار بگیرد و پس از آن چاقوها برای تطابق با جراحات وارده به مقتول به پزشکی قانونی فرستاد شود.

پیشنهاد از دواج داد. من هم عاشق او بودم و قبول کردم با او ازدواج کنم.

شما که عاشق و معشوق بودید چرا همسرت را به قتل رساندی؟

واقعتش بعدا فهمیدم که مرا به خاطر گرفتن اِثِش برای ازدواج انتخاب کرده‌بود و عاشق من نبود.

بیشتر توضیح بده؟

قرار بود ۲۰میلیون تومان به فهیمه اِثِه برسد، اما مشروط به اینکه از دواج کرده باشد. آن زمان فهیمه موضوع را به من گفت و من هم قبول کردم و خوشحال بودم که با پول اِثِش زندگی خوبی را شروع می‌کنیم.

بعد چه شد؟

بعد از اینکه عقد کردیم من اصرار داشتم او با من و پدر و مادرم زندگی کند، اما قبول نمی‌کرد که بعدها فهمیدم او قصد دارد از من جدا شود و با مرد ایرانی ازدواج کند. از آن روز به بعد اختلافات ما بیشتر شد تا اینکه این اتفاق افتاد.

چرا در تهران او را به قتل رساندی؟

آن روز فهیمه برای پیگیری کارهای اِثِش به تهران آمده بود که من هم به صورت نامحسوس او را تعقیب کردم. در تهران متوجه شدم که مرد غریبه‌ای او را در ادارات همراهی می‌کند. وقتی به او اعتراض کردم، گفت که من او را برای انجام کارهای اِثِش کمک گرفته‌است و من نباید درباره او فکر بکنم، اما من به او مشکوک شده بودم و تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم، اما به قتل رسید.

چطور؟

به دروغ گفتم که خانه‌ای در حوالی بهشت‌زهرای برای زندگی تا زمان اجاره کرده‌ام و به زودی برای زندگی به تهران می‌آیم. از او خواستم خانه را ببیند و به این بهانه او را به حوالی بهشت‌زهرای بردم. آنجا دوباره با هم مشاجره کردیم که با چاقو ضربه‌ای به او زدم، اما فقط پالتوش پاره شد. پس از این او شروع به داد و فریاد کرد که ضربه‌ای به قلبش زدم و خونین روی زمین افتاد. از ترس فرار کردم و بعد از ساعتی به محل حادثه آمدم که فهمیدم او فوت کرده است و از ترس اینکه در دام مأموران گرفتار نشوم به افغانستان رفتم.

چه زمانی به ایران برگشتی؟

وقتی به افغانستان رفتم به خانواده‌ام گفتم که همسرم طلاق گرفته و من هم به کشور برگشته‌ام. چند سالی آنجا بودم تا اینکه با دختر عمه‌ای در سال ۹۲در افغانستان ازدواج کردم و الان هم پسر دوساله‌ای دارم. مدتی بعد از ازدواج ما خانواده همسر به تهران آمدند و در پاکدشت ساکن شدند. همسر اصرار داشت به ایران بیاییم و پیش خانواده‌اش در پاکدشت شروع به زندگی کنیم تا اینکه چند ماه قبل تصمیم گرفتم و همراه خانواده‌ام به ایران آمدم و به پاکدشت رفتم.

در پاکدشت مواد فروشی می‌کردی؟

پس از قتل همسرم عذاب وجدان به سراغم آمد. هر شب همسرم به خوابم می‌آمد و مرا آزار می‌داد و آرام و قرار را از من گرفته بود که به موادمخدر پناه بردم و معتاد شدم. مأموران ۴۰۵گرم حشیش از من کشف کردند که برای مصرف خودم خریده بودم.

شما که عذاب وجدان داشتی چرا قبل از دستگیری خودت را به پلیس معرفی نکردی؟

می‌ترسیدم، اما وقتی دستگیر شدم خودم به قتل همسرم اعتراف کردم چون واقعا در این مدت از پنهان کاری خسته شده بودم.

شهادت یک مرزبان در سیستان و بلوچستان

یک مرزبان هنگ مرزی سراوان در درگیری با اشورار به شهادت رسید.

سسر هنگ نواب‌زاده، فرمانده هنگ مرزی سراوان درباره این خبر گفت: ستوان یکم علی دوست‌زاده از پاسگاه میل ۱۳۹مرزی بخش جالق شامگاه سه‌شنبه در حین گشت‌زنی و در درگیری با اشورار به شهادت رسید.

سرهنگ نواب‌زاده افزود: پیکر پاک و مطهر این شهید دیروز در سراوان تشییع و برای تدفین به زادگاهش در اسفراین خراسان شمالی منتقل شد.

قاتل مدیرعامل

شرکت هر می محاکمه شد



مرد جوانی که ۲سال قبل پس از اخراج از شرکت هر می مدیرعامل شرکت را با شلیک گلوله به قتل رسانده بود دوباره محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، بیست‌ونهم خردادسال ۸۵، مأموران پلیس پایتخت از قتل‌رئیس یکی از شرکت‌های هر می باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به مرد میانسالی به نام حمید بود که بر اثر شلیک گلوله کشته‌شده بود. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، پلیس تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد و در روند تحقیقات دریافت، یکی از کارمندان اخراجی شرکت به نام بهزاد ۳۰ساله با همدستی دو نفر از دوستانش مقتول را در پوشش مسافر، سوار خودرو کرده و

وی را در مشکین دشت با شلیک گلوله به قتل رسانده‌اند. به این ترتیب متهم شناسایی و بازداشت شد. او در مراحل بازجویی با اقرار به جرمش گفت: «مدتی قبل عضو شرکت هر می گلدکوئیست شدم و تمام پس‌اندازم را از دست دادم. وضع مالی خوبی نداشتم و زندگی‌ام در آستانه فروپاشی بود. به شرکتی که کار می‌کردم بابت معوقات حقوق ۶۰۰هزار تومان طلب داشتم، اما رئیس شرکت در پرداخت آن طفره می‌رفت تا اینکه بار آخر با هم درگیر شدیم.»

متهم ادامه داد: «در آن شرایط روحی او مرا از شرکت اخراج کرد به همین دلیل از او کینه به دل گرفتم و نقشه قتل او را کشیدم.» متهم در خصوص قتل گفت: «قرار شد دو نفر از دوستانم مرا کمک کنند، اما به آنها از قتل حرفی ن‌زدم و گفتم قصد تسویه حساب دارم. روز مورد حادثه با یکی از دوستانم روی صندلی عقب برآید نشستیم و دوست دیگرمان راننده بود. مقابل شرکت رفتیم و مقتول را به عنوان مسافر سوار کردیم. من کلاه داشتم و روی صورت‌م ماسک بود، اما طوری روی صندلی نشستم که مقتول مرا ندانید. بعد از طی مسافتی مقتول را حوالی مشکین‌دشت کرج بردیم و بعد از برداشتن کلاه و ماسک از او خواستم تا حقوقم را بدهد، اما او باز بهانه آورد و قبول نکرد. آنجا بود که از عصیانیت دست به اسلحه شدم و دو گلوله به سرش شلیک کردم.» متهم در آخر گفت: «دوستانم فقط مرا همراهی کردند و در قتل نقشی نداشتند. آنها فکر می‌کردند فقط قصد تسویه حساب دارم.»

با توضیحات متهم و بازسازی صحنه جرم، پرونده کامل و به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در اولین جلسه محاکمه، بنا به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. حکم صادره به دیوان عالی کشور فرستاده شد و بعد از تأیید آن در حالیکه مرد جوان در آستانه مرگ قرار داشت با فوت پدر مقتول این حکم به تعویق افتاد. در حالیکه هنوز خانواده اولیای دم در خواستشان را برای مجازات متهم مطرح نکرده بودند، این بار یکی از برادرهای مقتول به خاطر سناحه رانندگی فوت کرد. به این ترتیب متهم با گذشت ۱۲سال از ماجرا با نوشتن نامه‌ای درخواست تعیین تکلیف کرد.

سرانجام متهم روز گذشته در همان شعبه به ریاست قاضی اصغر عبداللهی پای میز محاکمه قرار گرفت و در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «در آن زمان جوان بودم و ناخواسته مرتکب قتل شدم. باید صبر می‌کردم و به مقتول فرصت می‌دادم تا حسابم را تسویه کند، اما چون در شرایط بحران مالی و روحی بدی قرار داشتم چنین تصمیم اشتباهی گرفتم. حالا ۱۲سال است در زندان بلاتکلیفم و هر شب کابوس اعدام می‌بینم. از این وضعیت خسته شده‌ام و از فضات دادگاه می‌خواهم هر چه زودتر تکلیف مرا معلوم کنند.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رای وارد شور شد.

کشف جسد مرد میانسال زیرپل عابر

مأموران پلیس جسد مرد ۴۵ساله‌ای زیر پل عابری که به طرز مرموزی فوت کرده‌بود در جنوب تهران کشف کردند. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۵:۴۵ عصر روز سه‌شنبه ۱۲تیرماه مأموران کلانتری ۱۵۳شهرک ولیعصر با تماس تلفنی شهروندی از کشف جسد مرد میانسالی با خیر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه که زیر پل عابری حوالی شهرک ولیعصر با جسد مرد حدوداً ۴۵ساله روبه‌رو شدند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بود. مأموران در بازرسی بدنی او مرد فوت شده هیچ مدرک شناسایی کشف نکردند. بنابراین هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.